بسم الله الرحمن الرحیم

**جلسه شماره 9**

۱۵/ ۰۷ / ۸۸ تخصیص کتاب به خبر واحد

**شروع در بحث از تخصیص کتاب به خبر واحد :**

این بحث از مباحث قدیمی علم اصول است که در کتب اهل سنت نیز از آن ذکری به میان آمده است به نظر می رسد که منشا اصلی طرح این بحث، قداست کتاب است که اقتضا می کند به سادگی نتوان از آن دست کشید. این امر انگیزه روانی طرح این بحث بوده و استدلال های علمی در بستر چنین انگیزه ای مطرح شده است. باری مرحوم آخوند در کفایه چهار دلیل برای منع تخصیص ذکر می کنند و دو دلیل برای جواز تخصیص. ما وارد تفصیل مباحث این قسمت نمی شویم.

**چهار وجه مطرح شده برای منع :**

دلیل اول : خبر واحد ظنی است و کتاب قطعی و کنار گذاشتن قطعی با ظنی صحیح نیست. پاسخ این است که خبر واحد و لو این که سندا ظنی است، ولی کتاب هم دلالۀ ظنی است. اینجا این سوال مطرح می شود که چرا به خاطر دلالت کتاب از سند خبر واحد رفع ید نمی شود؛ به حال سند خبر واحد قطعی نیست؟ مرحوم آخوند و مرحوم نایینی پاسخ داده اند که خبر واحد با توجه به سند و دلالتش صلاحیت این را دارد که قرینیت برای کتاب داشته باشد، همان گونه که در تعارض با خبر واحد دیگر یا حتی با خبر متواتر عام، همین حرف مطرح است و قطعی بودن سند کتاب، موجب رفع ید از سند خبر واحد نمی شود .

مرحوم نایینی در اینجا تعبیر می کنند که ادله حجیت خبر واحد حاکم است بر اصاله العموم که در عام کتابی مطرح است. به این تقریب که در اصل عموم دو چیز اخذ شده است یکی ظهور کلام در عموم و دیگری عدم علم به خلاف. ادله حجیت خبر واحد با تنزیل مودا به منزله علم، علم تعبدی به خلاف می آورد و به این ترتیب یک از دو جزء موضوع اصاله العموم را تعبدا ا از بین می برد. مرحوم آقای خویی نیز این تقریب را پذیرفته اند.

دلیل دوم : دلیل حجیت خبر واحد اجماع است و اجماع خبر واحدی را که در مقابل آن عام کتابی باشد، شامل نمی شود. پاسخ داده اند که دلیل حجیت خبر واحد منحصر به اجماع نیست و بناء عقلاو سیره متشرعه به عنوان سایر ادله خبر واحد شامل این مورد نیز می شوند.

دلیل سوم : روایات فراونی که دلالت دارد بر این که ما خالف کتاب الله را کنار بگذارید. مرحوم آخوند پاسخ داده اند که با توجه به این که در قبال عمومات کتاب و اطلاقات آن مخصصات و مقیداتی وجود

دارد، مخالفت کتاب شامل موارد جمع عرفی نمی شود (البته ایشان تعبیر به جمع عرفی نمی کنند). بلکه ممکن است عرفا ادعا شود که در موارد تخصیص و تقیید عرفا مخالفت با کتاب صدق نمی کند. در پاسخ اول مخالف بودن پذیرفته شده است، ولی آن را داخل در روایات ناهیه نداسته اند. ما این را اضافه می کنیم که لازمه اشکال این است که با خبر متواتر هم نشود کتاب را تخصیص زد؛ چون محذور فوق مختص به خبر واحد نیست. و لسان این روایات آبی از تخصیص است تا بتوان خبر متواتر را از این اخبار خارج کرد.

از فرمایش مرحوم آقای خویی در اینجا استفاده می شود که ایشان دلیل دوم مرحوم آخوند را نپذیرفته اند. ایشان صدق مخالفت عرفی را در موارد تخصیص پذیرفته اند، ولی روایات را از این مورد منصرف می دانند. ایشان مبنایی دارند که در برخی مباحث فقهی و اصولی به اشاره کرده اند که اخباری که عرضه روایات به کتاب را لازم دانسته به دو شکل است. یک سری اخبار است که می گوید تمام اخبار را بر کتاب عرضه کنید. ولی برخی از این اخبار در مقام ترجیح متعارضین وارد شده است مثل روایت قطب راوندی. مخالفت در این دو دسته را باید دو گونه تفسیر کرد؛ چون مثلا روایتی که شرط حجیت ذاتی آن موافقت با کتاب است دیگر نمی تواند شرط ترجیح عدم مخالفت باشد از این جهت که ترجیح در فرضی مطرح است که هر دو خبر اقتضای حجیت را دارند. اگر عدم مخالفت در هر دو دسته به یک معنا باشد، با هم سازگار نخواهند بود.

ایشان خود این گونه روایات تفسیر می کنند که در روایاتی که عدم مخالفت را شرط ذاتی حجیت می دانند، مراد از مخالفت، مخالفت به نحو تباین یا عموم و خصوص من وجه است. روایاتی که عدم مخالفت را در عداد مرجحات قرار می دهد، مراد مخالفت به نحو عام و خاص مطلق است. اگر آیه ظنی الدلالۀ وارد شد و خبری هم وارد شد به همین شکل و نسبت اینها تباین باشد، مانند تعارض احل الله البیع و مثلا این که روایتی بگوید البیع مکروه، ممکن است مکروه را حمل بر کراهت اصطلاحی حمل کنیم و دلیل اول را بر اصل جواز به معنای اعم. در این گونه موارد خبر اصلا حجت نیست.

اما اگر مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق باشد، شرط حجیت ذاتی را دارد؛ مگر این که خود خبر معارض داشته باشد. مثلا یک دلیل می گوید احل الله البیع، دلیل دیگر می گوید بیع کالی به کالی جایز نیست و خبر دیگری داشته باشیم که بیع کالی به کالی جایز است. موافقت خبر اخیر موجب ترجیح بر خبر مانع می شود.

از نحوه جمع ایشان پیداست که ایشان مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق را عرفا مخالفت می دانند مگر این که گفته شود که عرفا در اینجا مخالفت اطلاق نمی شود، ولی مجبوریم برای جمع بین

روایاتی که مخالفت را شرط اصل حجیت و روایاتی که آن را مرجح در باب تعارض دانسته، مخالفت را در اخبار علاجیه به معنای غیر عرفی حمل کنیم. البته بعید است که آقای خویی بخواهند این گونه مشی کنند، بلکه ظاهرا ایشان پذیرفته اند که مخالفت شامل مخالفت به نحو عموم و خصوص مطلق هم می گردد.

دلیل چهارم : اگر تخصیص کتاب به خبر واحد جایز باشد، نسخ آن نیز به خبر واحد جایز است چون نسخ به تخصیص بر می گردد البته تخصیص ازمانی. در حالی که این مطلب اجماعا جایز نیست. مرحوم آخوند می فرمایند اگر ما بودیم و قاعده، هر دو را جایز می دانستیم ولی اجماع بین این دو فرق گذاشته است.

بیان دیگر این که بین تخصیص و نسخ ممکن است یک تفاوتی وجود داشته باشد، با صرف نظر از اجماع. و آن این که دواعی بر نقل نسخ فراوان است برخلاف تخصیص. در نتیجه موارد نسخ معدود و محدود می باشند چون بیشتر جلب توجه می کند. و همین باعث می شود که اگر نسخی شده باشد، ناقلین نسخ زیاد باشند. در کتب اصول قدیمی همچون عده شیخ طوسی و ذریعه سید مرتضی قرائنی را ذکر می کنند که کذب خبر واحد را می رساند، یکی از این قرائن این است که اگر خبر صادق باشد باید ناقلین آن زیاد باشند و اگر کم باشند کشف از عدم صدق خبر می کنیم . فرض کنید اگر کسی بگوید یک وسیله نقلیه عمومی در خیابان منفجر شده است و کس دیگری این حادثه را نقل نکند، اینجا یقین یا اطمینان نوعی حاصل می شود که ناقل یا دروغ می گوید یا اشتباه کرده است. در جایی که قطع به عدم مطابقت با واقع هست به هر جهتی، یا اطمینان به این مطلب باشد، این خبر دیگر حجت نیست.

حاج آقا می فرمودند: شرط حجیت خبر واحد در نزد عقلا عدم اطمینان نوعی بر خلاف است . ایشان در بحث رویت هلال می فرمایند که در روایت وارد شده است که اگر هوا صاف باشد، بینه حجت نیست (که شیخ طوسی در نهایه به آن فتوا داده اند). ایشان می فرماید که این روایت طبق قاعده است؛ چون اگر این روایات هم نبود، بینه در هوای صاف حجت نبود. چون فرض این است که هوا صاف است و عده زیادی استهلال می کنند ( و اگر یک نفر ببیند، افراد دیگر هم می توانند ببینند). حال اگر از میان این همه فقط این دو نفر دیده اند، در اخبار آن دو نفر تردید حاصل می شود. در اینجا اطمینان نوعی برخلاف است.

در مساله نسخ هم آقای خویی کلام مرحوم آخوند را این گونه توضیح می دهند که لو کان لبان و اشتهر. این سخن هم شبیه فرمایش حاج آقا است؛ لذا در نسخ خبر واحد معتبر نیست و مقایسه نسخ با تخصیص درست نیست.

**ادله مجوزین :**

دلیل اول : سیره اصحاب ائمه علیهم السلام در تخصیص کتاب به خبر واحد .

دلیل دوم: اگر این تخصیص را جایز ندانیم، ادله حجیت خبر واحد لغو می شود. چون غالب اخبار با عمومات کتاب و لو با آیاتی همچون خلق لکم ما فی الارض جمیعا، منافات دارد.

مرحوم آقای خویی به این بیان اشکال می کنند که اکثر ادله ای که در کتاب است، در مقام اصل تشریع است، نه این که در مقام بیان خصوصیات باشد، مانند اقیموا الصلوۀ که در مقام بیان نسبت به تعداد رکعات، شرایط، موانع و ... نبوده است. یا در زکات مثلا. در همه اینها جزییات به سنت ارجاع داده شده است. لذا روایات مخالف اینها محسوب نمی شود. اگر اخبار مخالف کتاب به نحو عام و خاص مطلق را کنار بگذاریم، مستلزم لغویت ادله حجیت خبر واحد نمی شود؛ چون تعداد آنها محدود است.